

ریشه های غرب ستیزی رهبر

در آستانه مذاکرات دولت روحانی با جامعه جهانی برای شفاف سازی فعالیت های هسته ای ایران که تا کنون زیان های اقتصادی بی سابقه ای بر مردم و کشور تحمیل کرده است، ولی مطلقه فقیه در نشست با ائمه جمعه با ادبیاتی ستیزجویانه و غیر دیپلماتیک " دروغگویی و ظاهر سازی را از خصلت های سیاستمداران غربی " دانسته است. ریشه های این غرب ستیزی جنون آمیز در کجاست و آیا این پدیده سازش بر سر پرونده هسته ای و حل مشکلات اقتصادی و رفع فضای امنیتی کشور را امکان پذیر می سازد؟

غرب ستیزی رهبر ریشه در سه مقوله زیر دارد:

۱- استبداد دینی در برابر لیبرال دمکراسی

نظام ولایی که قدرت مطلقه ای را در اختیار ولی فقیه قرار داده است از لحاظ نظری و آرمانی دشمنی آشکاری را با فرهنگ و آرمان های غربی که بطور کلی بر پایه لیبرال دمکراسی بنا شده، از خود نشان داده است.

در حالی که در اندیشه های لیبرال دمکراسی، بر حقوق فردی، آزادی های سیاسی و مدنی، رعایت حقوق بشر، برابری حقوق زنان و مردان و پیروان ادیان گوناگون، تکرنگرایی و بردباری در برابر دگراندیشان تأکید شده است، در نظام دینی ولایت فقیه عملاً شاهد محدودیت های بسیار در آزادیهای فردی و اجتماعی، نقض حقوق بشر، تبعیض گسترده علیه زنان و اقلیت های دینی و قومی/ ملی سرکوب دگراندیشان و خودی و غیر خودی کردن جریان های سیاسی می باشیم.

در غرب رهایی از تبعیض های دینی (که در تمام ادیان با شدت و ضعف وجود دارد) پس از جنگ های سی ساله مذهبی در اروپا با استقرار نظام های سکولار روبهگوش گذاشت و دولت جدا از کلیسا و خنثی در برابر مذاهب، راه همزیستی ادیان و رفع تبعیض های گوناگون به ویژه علیه زنان و سرانجام تحقق دمکراسی را گشود. بهمین خاطر است که امروزه بسیاری از کشورهای غربی به پناه گاه پناه جویان سیاسی و دینی و قومی از سراسر جهان تبدیل شده است.

در لیبرال دمکراسی ملت ها تصمیم سازند و از حق تعیین سرنوشت برخوردار. در نظام پیچ در پیچ ولایی رابطه امام و امت حاکم است و ولی فقیه مادام العمر و غیر پاسخگو به گفته مصباح یزدی " حاکم بر جان و مال و ناموس مردم است ". آیت الله خامنه ای اختیارات ولی مطلقه را چنین شرح می دهد: " تصمیمات و اختیارات ولی فقیه در مواردی که مربوط به مصالح عمومی اسلام و مسلمین است، در صورت تعارض با اراده و اختیار آحاد مردم، بر اختیارات و تصمیمات آحاد امت مقدم و حاکم است " دشمنی ولی مطلقه فقیه با غرب از همیجا ناشی می گردد. وی اندیشه های لیبرالی، حقوق بشری و دمکراسی خواهی را که مغایر با استبداد دینی و یکه تازی مستبدان است بر نمی تابد و از " رویارویی عمیق و مبنایی غرب با اسلام " سخن بمیان می آورد.

۲- توهم توطئه

توطئه پنداری یکی از ویژگی های بس متداول در خاورمیانه است و به باور دانیل پیپس (Daniel Pipes) نویسنده کتاب "دست پنهان" به یکی از ابزارهای جداناپذیر واکاوی های سیاسی در منطقه خاورمیانه درآمده است. به باور آقای ابراهامیان توهم توطئه در کشورهای غربی نیز وجود دارد اما بیشتر در زمان های ناامنی، مانند جنگ، انقلاب و یا بحران های اقتصادی در میان گروه های کوچکی بروز می کند. اما در ایران در تمام نیم سده گذشته فراگیر بوده و به تمام طیف های سیاسی کشور از جمله، سلطنت طلبان، ملی گراها، چپ ها و بی شک رهبران و پیروان جمهوری اسلامی نیز سرایت کرده است.

به باور آقای ابراهامیان در کتاب خمینیزم، این بیماری که از جمله ریشه در کارکرد استعمار و امپریالیزم در کشور دارد در عین حال دارای مفهومی سیاسی است و به شکل افراطی اش در دوران پس از انقلاب در گستره نیروهای سیاسی قابل مشاهده بوده است. اما هر نیرویی بنا به بینش و فلسفه سیاسی اش بر توطئه ای خاص و بازیگران ویژه انگشت گذاشته است.

"برای آیت الله خمینی استعمار به کمک اقلیت ها که ستون پنجم دشمن را تشکیل می دهند، تهدید دائمی برای مردم مسلمان بشمار می آمد. برای چپ ها، امپریالیست ها به کمک طبقات بالای جامعه، علیه کارگران و دهقانان کشور توطئه می چیدند. جبهه ملی گمان داشت که امپریالیسم، اینبار بیشتر به صورت پدیده ای سیاسی، با سرنگونی مصدق، سخنگوی واقعی ملت، در کشور پایگاه بدست آورد. سلطنت طلبان باور داشتند که قدرت های خارجی به ویژه انگلیس و روسیه، مرتب می کوشند که سلسله پهلوی بویژه سلطنت محمد رضا شاه را سرنگون کنند."

توهم توطئه در تحلیل های سیاسی آیت الله خامنه ای نیز بویژه در رابطه با غرب همواره خودنمایی می کند وی بتازگی در نشست با ائمه جمعه و در رابطه با مذاکرات هسته ای گفته است: "... در چنین شرایطی حرکت بیداری اسلامی نیز در منطقه آغاز شد و غربیها که خود را عقب مانده از حرکت تفکر انقلاب اسلامی، می دیدند، با سراسیمگی برای مقابله با بیداری اسلامی و اسلام سیاسی وارد میدان شدند... دولت و مسئولان و سیاسیون و دیپلماتها و آحاد مردم، باید دارای نگاه جامع و صحیحی باشند زیرا در غیر این صورت، واقعیات را نخواهیم دید و علاوه بر آنکه سرمان کلاه خواهد رفت، ضربه هم خواهیم خورد."

گرایش رهبران جمهوری اسلامی به توهم توطئه برای ملت و کشور فاجعه بار بوده است. در سال ۶۰ پس از اقدامات مسلحانه مجاهدین علیه جمهوری اسلامی، آیت الله خمینی پنداشت که سازمان سیا بدنبال سرنگونی نظام اسلامی است. بدین ترتیب نه تنها مجاهدین بلکه پای تمام مخالفین به میان کشیده شد و در طول شش هفته بیش از هزار زندانی سیاسی از طیف های مختلف اعدام شدند. این تراژدی بصورت دیگری در سال ۶۷ تکرار و بروایتی بیش از ۴ هزار زندانی را بکام مرگ کشاند که امروز در آستانه سالگرد آن هستیم.

آیت الله خامنه ای نیز با توسل به توهم توطئه همواره علت اعتراضات مردمی و گرفتاری های کشور را بگردن "دشمنان" و غربی ها انداخته است و بدین ترتیب مسئولیت های فردی و سیاسی اش را در برگزیدن گفتمانی نادرست که به سرکوب جامعه مدنی و سیاسی و استقرار نظامی امنیتی انجامیده، فراموش کرده است. در اثر این رویکردها، کشور ایران با استبداد دینی روبرو و برغم ثروت های عظیم زیرزمینی با بحران اقتصادی، انزوای بین المللی و عقب ماندگی در زمینه های گوناگون دست به گریبان است.

۳- جاه طلبی های منطقه ای حلقه مرکزی قدرت

رهبر جمهوری اسلامی رهبری جاه طلب است که یکی از اولویت هایش را گسترش نفوذ جمهوری اسلامی در منطقه تشکیل می دهد. دخالت های این نظام در عراق، افغانستان، لبنان و سوریه و رقابت با دولت های دینی سنی مذهب از جمله عربستان و قطر برکسی پوشیده نیست. بازوی دخالت و گسترش نفوذ جمهوری ولایی در خارج را سپاه قدس تشکیل می دهد که حتی در اتیوپی با نفوذ اسرائیل در حال رقابت است و با ارسال سلاح به نیجریه و یمن در صدد دامن زدن به شورش های اسلام گرا بوده است. دشمنی ایدئولوژیک کور با مردم اسرائیل که با نفی هولوکاست در دولت کودتا صورت گرفت از جنبه های دیگر جاه طلبی ها و آرمان گرایی های رهبری است که با آب و رنگ دفاع از حقوق فلسطینیان تزئین شده و منافع ملی کشور را بطور مداوم پایمال کرده است. این جاه طلبی ها که با واکنش کشورهای منطقه و هم پیمانان غربی آنان روبرو شده، به نوبه خود در تشدید گرایش های غرب ستیزانه رهبری موثر بوده است. رهبر غیر پاسخگو باید پاسخ دهد که این جاه طلبی ها و دخالت های بی جا که همواره به تقویت گروه های مرتجع و تندرو اسلامی انجامیده است بغیر از افزایش مشکلات چه سودی برای ملت ایران دربر داشته است؟

مشکلات اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و انزوای سیاسی کشور بدون تغییر در گفتمان غرب ستیزانه و رویکرد مستبدانه رهبر امکان پذیر نیست. حلقه مرکزی حاکمیت شامل بیت رهبری و نیروهای نظامی امنیتی باید به پیام انتخابات ۹۲ گوش فرا دهند و به خواسته های ده ها میلیون رای دهنده که خواستار روابط عادی با کلیه کشورهای جهان، حل پرونده هسته ای و عدم دخالت در کشورهای منطقه از جمله سوریه و رفع فضای امنیتی در داخل اند، تن دهند. بدون دادن زمان و اختیارات کافی به دولت روحانی در مذاکرات هسته ای و رفع مشکلات داخلی، بحران های کشور بر جای خواهد ماند.